

مهر باد

نویسنده و عکاس: محمد مهدی بهمنی

توفان و بادهای ترسناک سیستان وقتی زوزه کشان به شهر «نشتیفان»^۱ می‌رسند، دیگر فقط مخرب و ویرانگر نیستند. نشتیفانی‌ها منتظر این باد سرکش هستند. ساکنان سرزمین بادها سالیان سال غلاتشان را به کمک نیروی باد آرد کرده‌اند. آن‌ها می‌دانند چگونه تهدید بادهای سرکش سیستان را که گاه تا ۶ ماه از سال می‌وزد، به فرصت تبدیل کنند. «آسباد»های نشتیفان صدها سال است که در یک ردیف تنگ هم ایستاده‌اند و با هر بادی که وزیده است، چرخیده‌اند، گندم کشاورزان را آرد کرده‌اند و تحویل آسیابان‌ها داده‌اند. اسناد تاریخی می‌گویند: سه هزار سال است که در ایران از انرژی باد برای چرخاندن «آس»^۲ استفاده می‌شود. با این حساب اجداد ما اولین مردمانی بوده‌اند که انرژی باد را در آسیابها به خدمت گرفتند. آسیابهای نشتیفان در استان خراسان جنوبی میراثی هستند که چندان قدرشان را نمی‌دانیم.

کارگاه‌های شبانه‌روزی

در تمام مدت چهار تا شش ماهی که باد سیستان از شرق خراسان می‌وزید، آسیابها به صورت شبانه‌روزی می‌چرخیدند و جو و گندم آرد می‌کردند. در آن روزها راسته آسیابها شلوغ و پر رفت و آمد بود. آسیابهای نشتیفان علاوه بر غلات شهرها و آبادی‌های اطراف، محصولات زمین‌های کشاورزی افغانستان را هم آرد می‌کردند. با رسیدن فصل پائیز و فروکش کردن باد، آسبان‌ها چوب لای چرخ پره‌های آسیاب می‌گذاشتند و کارگاه‌ها تا وزش دوباره باد سیستان تعطیل می‌شدند.

میراث صنعتی

با آمدن آسیابهای برقی، آسیابهای نشتیفان از رونق افتادند و یکی یکی تعطیل شدند. حتی باد سیستان هم کم‌رنگ‌تر شد. انگار که دیگر انگیزه‌ای برای وزیدن نداشت. با این حال، پیرمردهایی که زمانی نه چندان دور آسیابان بودند، همچنان اطراف کارگاه‌هایشان می‌چرخند و برای فرزندانشان از آسیابهایشان می‌گویند. آن‌ها معتقدند که چون در آسیابها «برخلاف آسیابهای برقی» گندم هنگام ساییده شدن حرارت نمی‌بیند، روغن آن حفظ می‌شود. در نتیجه آرد و نان خوش طعم‌تری به دست می‌آید. نشتیفانی‌ها میراث‌دار صنعتی از رونق افتاده هستند که می‌تواند دوباره احیا شود و انرژی و زور باد سیستان دیگر هدر نرود.

شغل آبا و اجدادی

این پیرمرد یکی از آخرین آسیابان‌های خاندان «گندمی» است. آسبانی و ساخت آسیاب شغل آبا و اجدادی گندمی‌ها بود. ولی محمد گندمی به خوبی به یاد دارد که پدرش چطور سنگ‌های بزرگ آسیا را از دل کوه می‌تراشید و به کمک اهالی آن‌ها را به آسیابها می‌رساند. به خاطر سال‌ها تلاش خاندان گندمی برای حفظ آسیابهای نشتیفان، خیابانی که از کنار آسیابها می‌گذرد، گندمی نام‌گذاری شده است. با این حساب هر کس بخواهد گشتی در محوطه آسیابها بزند، باید سراغ خیابان گندمی را بگیرد.

وقتی باد دست به کار می‌شود

مأموریت باد سیستان در نشتیفان چرخاندن همین سنگ بزرگ روی آسیاست. پیرمرد آسیابان در شروع چرخش آس، به باد کمک می‌کند و همین



سیستان



که باد کارش را شروع کند، گندمها زیر فشار دو سنگ رویی و زیرین خرد می‌شوند، نرم می‌شوند و آرد سفیدرنگ گندم از فاصله بین دو سنگ سرازیر می‌شود. نام کارگاه‌های آسیاب از نیروی محرکه سنگ آسیاب گرفته می‌شد. اگر سنگ آس را آب می‌چرخاند، به آن «آسیاب»، اگر باد می‌چرخاند «آسیاد» و اگر آس توسط خر می‌چرخد، به آن «خر آس» می‌گفتند.

تیشه بر تن اس

ماهی یک بار آسیابان سنگ بزرگ آس را از حرکت باز می‌داشت، آن را از جایش خارج می‌کرد و با «آزینه» که ابزاری شبیه به تیشه است» به جانش می‌افتاد. سنگ آس بعد از یک ماه چرخیدن روی سنگ زیرین صاف می‌شد و گندم دیگر به خوبی آرد نمی‌شد. پس لازم بود سطح آن دوباره تیشه بخورد. آس بعد از بارها آزینه خوردن نازک و سبک می‌شد و کم‌کم وقت عوض کردنش با سنگ جدید می‌رسید.

باد همه‌کاره

شاید اصول کار آسیابها ساده به نظر برسد، اما ساختمان آسیابها و آسخانه‌ها پر از نکات ظریف فنی است. مثلاً آسیابان برای الک کردن گندم و جدا کردن غلاف آن، اینجا کنار این دریچه می‌نشست، هنگام الک کردن گندم، باد از راه این دریچه و کانال متصل به آن به داخل کارگاه می‌وزید و هنگام سرند کردن گندم، غلاف سبک آن را با خود می‌برد. نرخ خدمات آسیابانی در نشتیفان برای قرن‌ها ثابت بود. از هر ۳۰ کیلو آردی که از زیر سنگ آس بیرون می‌آمد، نیم کیلویش سهم آسیابان بود.

۱. از شهرهای استان خراسان رضوی است که در جنوب شرقی خاف قرار دارد.
۲. دو سنگ گرد و پهن که برای خرد کردن غلات در آسیاد از آن استفاده می‌شود.